



سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، در اولین روز از هفته‌ی وحدت - 11 مهر/ 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا لازم می‌دانم از همه‌ی شما برادران و خواهران که از راه‌های دور و شهرهای مختلف تشریف آورده‌اید و شروع هفته‌ی وحدت و ایام مبارک ولادت را برای ما حقیقتاً مبارک کرده‌اید، تشکر کنم. جلسه، جلسه‌ی عجیبی است. شما برادران و خواهرانی که در این جا هستید، هر کدامتان به نحوی، بوی جهاد و شهادت و فداکاری و ایثار و بوی پیامبر و یارانش را می‌دهید. به برکت وجود شما، عطر فداکاری و نور ایثار در فضا پراکنده است. من حقیقتاً وقتی شما عزیزان - چه آزادگان عزیز، چه جانبازان عزیز، چه خانواده‌های عزیز شهدا - را این‌طور پرشور و مصمم مشاهده می‌کنم، این امید را در قلب و جان خود عمیقتر می‌یابم که دعای امام عزیز ما مستجاب شد و دعوت نبی اکرم (صلي الله عليه واله وسلم) به وسیله‌ی شما عزیزان، در دنیای مادی امروز قابل گسترش است. شماها در جبین پاک خودتان، نور اسلام و انقلاب و ایمان دارید. حقیقتاً جای امام خالی است که فرزندان صالح خود، این دل‌های آماده، این قدم‌های استوار و این عزم‌های محکم و مستحکم را ببیند که هیچ عاملی نتوانسته آنها را تحت تأثیر قرار بدهد.

امروز يك مطلب راجع به این ایام - که هفته‌ی وحدت و ایام میلاد مبارک و معظم پیامبر و امام صادق (علیهما الصلاه والسلام) است - و مطلبی هم بعداً راجع به يك مسأله‌ی مهم و اساسی کشورمان عرض خواهم کرد. باید بدانید که استعمار و استکبار، دهها سال - بلکه بیشتر - پول خرج کردند، تا بین مسلمین اختلاف ایجاد کنند. برای ایجاد اختلاف، کتاب و مجله نوشتند، شایعه منتشر کردند، عصبیتها را تحریک کردند و در اعماق دل مسلمین، نسبت به یکدیگر حقد و کینه‌های فراوانی به وجود آوردند. البته در طول زمان‌های گذشته هم این دشمنیها بود؛ اما در دوران استعمار، شکل جدیدی پیدا کرد. هر کس با سیاست جدید دنیای اسلام در طول صد یا صدوپنجاه سال اخیر آشنا باشد، توجه می‌کند که اشاره به چه چیزهایی می‌کنم.

انقلاب اسلامی آمد و پرچمی بلند کرد که مسلمانان از هر مذهب و هر کشوری، وقتی به خود مراجعه کردند، دیدند این پرچم را دوست می‌دارند و احساس کردند این پرچم، پرچم اسلام و پرچم نبی مکرم اسلام (صلي الله عليه واله وسلم) است. لذا بسیاری از نقشه‌های دشمنان، نقش بر آب شد. استکبار ساکت نمی‌نشیند. دشمنان خونخوار اسلام و مسلمین، آرام نمی‌گیرند. تا دیدند که انقلاب و جمهوری اسلامی، در داخل و خارج از کشور، بین شیعه و سنی وحدت ایجاد کرد، اینها را به هم نزدیک نمود و عصبیت‌هایشان را نسبت به یکدیگر کم کرد، از بیرون شروع به سمپاشی کردند.

بله، وقتی که نماز جمعه‌ی تهران تشکیل می‌شود و پشت سر امام جماعت انقلابی شیعی در تهران، رؤسای نهضت‌ها و کشورهای اسلامی و موجهان ملت‌های مسلمان در چند صف می‌ایستند و با خلوص تمام نماز می‌خوانند - که در طول این چند سال، ما دایماً چنین چیزهایی داشته‌ایم - دشمنان اسلام، از حقد و غضب پر می‌شوند. این، درست ضد آن چیزی است که آنان برایش پول خرج کرده‌اند. انقلاب اسلامی آمد و همه‌ی نقشه‌های آنان را بر هم زد؛ طبیعی است که درصدد مقابله برمی‌آیند.

يك عده قلم‌به‌مزد و مزدور و عالم بی‌دین و ریزه‌خوار سفره‌ی سلاطین و ملکداران بی‌دین عالم را - که از هر کس‌ی خطرناک‌ترند - اجیر کرده‌اند، تا در برابر ندای وحدت انقلاب اسلامی، فریاد اختلاف و تفرقه سر دهند. واقعاً عالمی که وجدان بیدار و تقوا نداشته باشد، اضر از هر دشمنی بر جامعه‌ی اسلامی است. در روایت دارد که چنین عالمی بر



مسلمانان، اضر از گرگ بر گله‌ی گوسفند است. شما ببینید، یک گرگ در یک گله‌ی گوسفند، چه کار می‌کند؟ این، ضررش از آن بیشتر است. در طول این هشت سال جنگ، بلکه در طول ده، یازده سال انقلاب، دیدیم که این‌طور علما چه کردند؛ اما به برکت نام و پرچم اسلام و نام پیامبر اکرم و به برکت هفته‌ی وحدت - که امروز، روز اول آن است - انقلاب بر توطئه‌های آنان فایق آمده است.

جمهوری اسلامی به مسلمانان عالم گفت، بیایید از دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول، وحدت را آزمایش کنیم. به یک روایت - که غالباً اهل سنت این روایت را تأیید کرده‌اند و بعضی از شیعه هم آن را قبول دارند - روز دوازدهم ربیع‌الاول، روز ولادت پیامبر (ص) است. یک روایت هم مربوط به هفدهم ربیع‌الاول است که غالباً شیعه و بعضی از اهل سنت، آن را تأیید کرده‌اند. به هر حال، بین دوازدهم تا هفدهم که ایام ولادت نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است، باید به وحدت جهانی اسلام توجه بیشتری شود؛ آن حصن و حصار مستحکمی که اگر تشکیل بشود، هیچ قدرتی نمی‌تواند به حریم کشورها و ملت‌های اسلامی دست‌درازی کند.

به وضع کشورهای مسلمان دنیا نگاه کنید، گرسنگی و فقر و ضعف سیاسی و ناآگاهی و عقب‌افتادگی و دنباله‌روی سیاسی و اقتصادی را در این کشورها ببینید. چرا؟ چه کم داشتند؟ منابع طبیعی‌شان کم بود؟ نه. نیروی انسانی‌شان کم بود؟ نه. از لحاظ موقعیت جغرافیایی مشکلی داشتند؟ نه. چرا در این وضع اسفبار قرار گرفتند؟ زیرا دشمنان در طول صد یا دویست سال، از غفلت مردم و خیانت سران استفاده کردند و در کنار حمله‌ی اقتصادی و نظامی، حمله‌ی معنوی و فرهنگی کردند و بتدریج کشورهای اسلامی را به این وضعی که می‌بینید، درآوردند. این، وضع طبیعی عالم اسلام نیست.

از دورترین نقاط غرب دنیای اسلام در وضع کنونی - یعنی از غرب آفریقا - تا اقصای شرق عالم - یعنی تا شرق آسیا - عالم اسلام و منطقه‌ی مسلمان‌نشین است. حساسترین مناطق عالم، در اختیار مسلمانان است. یک قسمتش همین خلیج فارسی است که همه‌ی دنیا در صفند، برای این‌که بتوانند کوله‌بار خودشان را از ذخایر این منطقه پر کنند و برگردند و بروند. همه‌ی دنیا، محتاج نفت این منطقه‌اند. اگر مسلمین با هم متحد باشند، دنیای اسلام خیلی سود خواهد برد.

کسانی که شعار اتحاد و وحدت و برادری مسلمین را می‌دهند، اینها دشمن مسلمانان نیستند؛ دوست مسلمانانند، خیر مسلمانان را می‌خواهند و مایلند همه‌ی مسلمین عالم عزیز باشند. چه فایده‌ی دارد که در داخل جامعه‌ی اسلامی، مسلمانان از مذاهب مختلف، روبه‌روی هم بایستند و به همدیگر ضربه بزنند؛ از آن طرف هم دشمن بیاید، هر دوی اینها را محاصره کند، سرشان را به هم بکوبد و خودش بنشیند، تماشا و استفاده بکند؟ این، خوب است؟ اگر ما می‌گوییم که شیعه و سنی در کنار هم قرار بگیرند، یعنی شیعه، شیعه بماند؛ سنی هم سنی بماند. ما چه موقع به عالم تسنن گفته‌ایم که منظورمان از وحدت این است که شما شیعه بشوید؟! ما چنین چیزی نگفته‌ایم. هر کس خواست شیعه بشود، از طریق علمی و از راه مباحثات عالمانه شیعه بشود. آنها هم آزادند که بروند کار خودشان را بکنند. ما نمی‌گوییم شما مذهب را عوض کن؛ ما می‌گوییم شیعه و سنی باید همیشه سر عقل باشند؛ همچنان که بحمدالله در دوران انقلاب اسلامی، در کشور ما مشاهده شد. نگذارند دشمن از اختلافات اینها سوءاستفاده کند. برگزاری هفته‌ی وحدت، برای این است.

ای قلم‌به‌دستی که نشسته‌ای چیزی می‌نویسی و احساساتت - ولو احساسات پاک - و عقاید و ایمانت به تو حکم می‌کند که فلان کلمه را در ضدیت با آن فرقه‌ی مخالف و مقابل خودت بنویسی! بدان که با نوشتن این کلمه چه اتفاقی می‌افتد؛ بدان که با ایجاد عصبیتها و دشمنیها و مخالفتها، چه کسی استفاده می‌کند.

یک میلیارد انسان در دنیا هستند که درباره‌ی خدا و پیامبر و نماز و حج و کعبه و قرآن و بسیاری از احکام دینی، با هم یک عقیده دارند؛ یک چند مورد اختلاف هم دارند. اینها بیایند همان چند اختلاف را بگیرند، با هم بجنگند، تا



آن کسی که با اصل خدا و پیامبر و دین و همه چیز مخالف است، کار خودش را انجام بدهد. آیا این عاقلانه است؟! یازده، دوازده سال است که جمهوری اسلامی، این مطلب را فریاد می‌کند و این ملت هوشیار و آگاه، آن را دنبال می‌کنند. ملت‌های دیگر هم باید توجه کنند.

ما گفتیم یک عده از علما و متفکران دور هم بنشینند و در سطح علمی و فرهنگی، برای تقرب و نزدیک کردن، "مؤسسه‌التقرب بین‌المذاهب الاسلامیه" را به وجود آورند. چهار مذهب فقهی در اهل سنت هست، مذهب امامیه هست، مذهب زیدیه هست، مذاهب دیگر اسلامی هستند. اینها بنشینند ببینند، در مسایل علمی و دینی، چه قدر می‌توانند با یکدیگر همکاری و کار کنند. ما این مرکز را تشکیل دادیم. ان شاء الله برادرانی که مسؤول این کار هستند و معین شده‌اند، آن را با قوت دنبال می‌کنند. این کار، کاری است که خدای متعال از آن راضی است و سرنوشت اسلام به این‌طور کارهاست.

اگر مسلمین دست در دست هم بگذارند و با هم صمیمی باشند، ولو عقایدشان مخالف با یکدیگر باشد، اما آلت دست دشمن نشوند، دنیای اسلام سربلند خواهد شد. آن وقت، مگر آمریکا و غیرامریکا جرأت می‌کنند که به دنیای اسلام بیایند و یک‌جا را پایگاه قرار بدهند و منافع کشورهای اسلامی و ملت‌های مسلمان را تهدید کنند؟ مطلب دوم، مسأله‌ی انتخابات مجلس خبرگان است. هر کسی در این ایام، اظهارات مخالفان ما را در دنیا گوش کرده یا خوانده باشد، می‌فهمد که دشمنان نظام ما، چه‌طور از عزت امروز جمهوری اسلامی، از ته دل ناراحتند. پیروزی ملت ایران، به کام اینها تلخ آمد. خدای متعال، همه‌ی کارها را با حساب انجام می‌دهد. یک روز بنده‌ی صالح خدا، آن انسان بزرگ و مخلص که هیچ چیز را برای خودش نمی‌خواست و همه‌ی کارها را برای خدا می‌کرد و همه چیز را برای او می‌خواست، در قضیه‌ی قطعنامه گفت: کاسه‌ی زهر را نوشیدم. این تلخی را او تحمل کرد؛ ولی خدای متعال به آن بنده‌ی صالح عوض داد و هنوز دو سال‌و‌اندی نگذشته کاسه‌ی شهد و شیرینی پیروزی را به ملتش چشانند و کامشان را شیرین کرد. آن فداکاری، این ثمره را داشت. "اللهم ما بنا من نعمه فمك لا اله الا انت". همه چیز متعلق به او و به اراده‌ی اوست.

آزادگان ما برگشتند، خانواده‌های ما خوشحال شدند، شرایط جمهوری اسلامی پذیرفته شد و دولت و دولتمردان جمهوری اسلامی، ثمره‌ی زحمات خودشان را مشاهده کردند. انصافاً آنچه که پیش آمد، برای ملت ایران و دوستانش و دوستداران انقلاب شیرین بود؛ اما برای دشمنان تلخ بود. دشمنان، چه کسانی هستند؟ صهیونیستها؛ همین‌هایی که خبرگزاریها و بسیاری از رادیوهای دنیا در اختیارشان است. اینها دنبال چیزی هستند که این پیروزی را خراب کنند، قوت و قدرت ملت ایران را به ضعف تبدیل کنند و به دنیا وانمود نمایند، آن‌طوری هم که خیال می‌کنید، عزم ملت ایران راسخ نیست و در راهش استوار نمی‌باشد. ما کار خودمان را می‌کنیم. این ملت بزرگ، دنبال کار و راه خودش حرکت می‌کند؛ اما دشمن در بیرون آن‌طور حرف می‌زند و دنبال شاهد و بهانه‌ی می‌گردد.

تمام چشمها را روی انتخابات مجلس خبرگان - که چند روز دیگر انجام خواهد شد - متمرکز کرده‌اند. از حالا زمزمه‌هایی را شروع کرده‌اند که اگر این انتخابات مورد استقبال مردم قرار نگیرد، بتوانند بر اساس این تحلیل تبلیغات بکنند و بگویند ملت در نظرات و آرمان‌هایش، مردد شده است. آنها می‌خواهند با تبلیغات خودشان در شکلهای مختلف، صلابت انقلابی و قدرت ناشی از انقلاب را بشکنند.

یک نفر در جایی، حرفی را از روی عصبانیت و جهالت و یا از روی هر عاملی می‌زند؛ آن‌گاه می‌بینید که در تمام دنیا این حرف را بزرگ و منتشر می‌کنند و دهان به دهان می‌گردانند و فریاد می‌زنند که در ایران اختلاف پیدا شد و فلان افراد، علیه فلان افراد کار کردند! اصلاً بنا دارند که در دنیا چهره‌ی جمهوری اسلامی را از این چهره‌ی پیروزمندانه و قدرتمندانه ساقط کنند.



من عرض می‌کنم، ملت ایران در این انتخاباتی که روز دوشنبه برگزار می‌شود، باید مشقت محکمی به دهان تمام بدخواهان خودش در سراسر دنیا بزند و می‌زند. کاری کنید که دشمن مثل همیشه مأیوس بشود. شرکت در انتخابات مجلس خبرگان را مثل یک واجب شرعی، واجب و لازم بشمرید و تمام آحاد ملت که مشمول این شرایط هستند، در انتخابات شرکت کنند، تا دشمن بداند که جمهوری اسلامی، به برکت این جوانان و این ملت و به برکت پیروزیهایی که خدای متعال به او داده، همچنان باصلابت و قدرتمند ایستاده است. این را در عمل باید ثابت کرد و این، عمل است.

دو، سه نکته‌ی کوتاه درباره‌ی این انتخابات عرض بکنم. دشمنان انقلاب و کسانی که از روی ساده‌لوحی و بی‌خبری آلت دست آنها می‌شوند، شایعه‌پراکنی نکنند. حقایق، حقایق روشنی است. مجلس خبرگان مصوبه‌گذرانند و شورای نگهبان را مسؤول کرد و شورای نگهبان هم به تکلیف خودش عمل نمود. در این قضایا، هیچ ایراد و اشکالی بر شورای محترم نگهبان وارد نیست.

شورای نگهبان دستگاهی است که قانون اساسی ما، آن را وسیله‌ی تضمین حقانیت این نظام قرار داده است. اگر شورای نگهبان نمی‌بود و نباشد، یا تضعیف بشود، یا کار خودش را انجام ندهد، حرکت اسلامی این نظام زیر سؤال خواهد رفت؛ زیرا که حرکت نظام، بر اساس قوانین است. اگر قوانین اسلامی بود، نظام ما اسلامی است. چه مرجعی می‌گوید که قوانین اسلامی است، یا اسلامی نیست؟ شورای نگهبان. این آقایانی هم که امروز عضو فقهای شورای نگهبانند، شخصیت‌های برجسته و مورد قبولینند که منصوبان امام (رضوان الله تعالی علیه) هستند و ایشان اینها را معین کردند. دوره‌شان که تمام شد، دوباره اینها را تأیید کردند؛ ما هم اینها را تأیید کردیم. این را به شما بگویم و خود آن آقایان هم بدانند، این که بعضی بایستند، این جا و آن جا به شورای نگهبان بد بگویند، کار خلافی کرده‌اند. ما نمی‌توانیم بنشینیم تماشا کنیم که رسمیت‌ترین و اطمینان‌بخش‌ترین و مورد اعتمادترین دستگاه‌های نظام جمهوری اسلامی، به خاطر این که یک نفر عصبانی است - به حق یا به ناحق - مورد اهانت قرار بگیرد.

آن چیزی که در این دو، سه روز از بعضیها سر زد، که ایستادند و در تریبون‌هایی به شورای نگهبان بد گفتند، اگر این طور چیزها تکرار بشود، من بر اساس مسؤولیت خودم، آن را تحمل نخواهم کرد. اگر قرار بشود هرکدام از ارگان‌های قانونی این کشور، از طرف عده‌ی مورد تهاجم قرار بگیرد، من وظیفه دارم که از آن ارگان قانونی دفاع کنم. می‌توان گفت که شورای نگهبان، ارگان تقریباً مقدسی است؛ زیرا بر اساس تقوا بنا شده است. کسی را که آن جا می‌گذارند، باید مجتهد و عادل باشد. آیا شهادت امام بر اجتهاد و عدالت یک نفر، کافی نیست؟ امام وقتی کسی را در آن جا گذاشتند، یعنی این شخص مجتهد و عادل است. شورای نگهبان کار خودش را انجام داد، درست هم انجام داد، یعنی طبق وظیفه‌ی خودش عمل کرد؛ منتها نکات کوچکی است که باید همه به آن توجه کنند.

چون شرط کاندیدایی در این انتخابات، مجتهد بودن است، به بعضی از علمای محترم گفتند، ما نمی‌دانیم که شما مجتهدید یا نه. برای مشخص شدن این مسأله، بیایید امتحان بدهید. آن آقا هم که از علما و مرد محترمی است و ای بسا با آقایان شورای نگهبان همدوره بوده است، می‌گوید: نه، من نمی‌آیم امتحان بدهم. او هم حق دارد و اگر نیامد امتحان بدهد، نمی‌شود گفت شما چرا نرفتید امتحان بدهید؛ نمی‌خواهد امتحان بدهد. هیچ کس حق ندارد بگوید که شما چون امتحان ندادید، پس آدم بدی هستید! نه، امتحان دادن، اجباری که نیست. می‌گوید من امتحان نمی‌دهم، کاندیدا هم نیستم. این، اشکالی ندارد.

مبادا در گوشه و کنار کشور، خدای نکرده آدم جاهل یا مغرضی پیدا بشود و به بعضی از علمای محترم و باارزش و خدمتگزار که عمرشان را در راه این انقلاب صرف کرده‌اند و فقط نیامده‌اند امتحان بدهند، بگوید که شما امتحان ندادید، پس چنین و چنان. نه، امتحان ندادن، دلیل مجتهد نبودن نیست. امتحان ندادن، ارزششان هم در جای



خودش محفوظ است. بعضی از این کسانی که در امتحانات شرکت نکردند، کسانی هستند که من وظیفه‌ی خود می‌دانم، برای سلامت و بقای عمر آنها دعا کنم که خدای متعال برکاتشان را حفظ کند.

البته اگر عضو مجلس خبرگان هم نباشند، طوری نمی‌شود و اشکالی هم ندارد و ارج و شخصیت خود را هم دارند و کسی هم حق تعرض به آنها را ندارد. بعضی هم امتحان دادند و ممتحنان شورایی نگهبان - فضیلائی محترم و مجتهدان عالی‌مقام قم - که از اینها امتحان کردند، گفتند شما مجتهد نیستید. مجتهد نبودن، چیزی نیست که کسی آن را برای تضعیف یک نفر مستمسک قرار بدهد. بسیاری از کارهای بزرگ در این کشور هست که ارزشش اگر از عضویت در مجلس خبرگان بیشتر نباشد، قطعاً کمتر نیست؛ شرطش هم اجتهاد نیست. در این مملکت، مشاغل اساسی و بزرگی مثل تصدی کارهای اجرایی، تصدی وزارت، تصدی ریاست دستگاه‌های گوناگون هست که شرطش هم اجتهاد نیست؛ اما برای این کار بخصوص - یعنی عضویت در مجلس خبرگان - آقایان تصویب کردند که کاندیدا باید مجتهد باشد؛ حق هم داشتند. اما اگر کسی مجتهد نبود، نقیصه‌ی نیست که کسی بخواهد به آن ایراد بگیرد و بعضی جنجال کنند که معلوم شد فلانی مجتهد نبوده است. نباشد، از ارزش انقلابی و ایمانی و شأن او در انقلاب و در مسؤولیتهای بالا، چیزی کاسته نمی‌شود.

در این کشور، بسیاری از مشاغل درجه‌ی یک و مهم وجود دارد که شرطش اجتهاد نیست و مردم سؤال نمی‌کنند و به ذهنشان هم خطور نمی‌کند که این کسی که متصدی این مقام است، آیا مجتهد است یا نه. امروز رئیس‌جمهور ما، از نظر من که سالیان متمادی است ایشان را می‌شناسم، یک مجتهد قطعی است. این هم از برکات خدا بر ماست. ما رئیس‌جمهوری داریم که از لحاظ درسهایی حوزه‌ی، یک مجتهد و از لحاظ تفکرات اسلامی، یک متفکر سطح بالا با سوابق فراوان است. وقتی که ایشان می‌خواست رئیس‌جمهور بشود، چه کسی پرسید یا فکر کرد که آیا شما مجتهد هستید یا نه؟ اصلاً به یاد مردم بود که ایشان مجتهدند یا نه؟ ریاست جمهوری، شأن بالایی است که اداری امور و زمام اجراییات کشور، همه در دست یک نفر - که مجتهد هم است - قرار دارد؛ اما هیچ‌کس به یادش نیست که این آقا مجتهد است، یا مجتهد نیست.

مجتهد نبودن، عیب و نقص نیست. ما قبلاً رؤسای جمهوری داشتیم که مثل مرحوم شهید رجایی (رضوان‌الله‌علیه)، مجتهد هم نبودند. بعد از دولت موقت، به استثنای شهید باهنر و آقای مهدوی کنی - که هر دو هم مجتهد بودند - نخست‌وزیران خوب و خدوم و کاری و زحمتکش و مخلص داشتیم که اهل اجتهاد نبودند. بنابراین، مجتهد بودن یا نبودن، در مجلس خبرگان شرط است؛ ولی در انقلابی بودن و مسؤول بودن و شخصیت برجسته بودن، شرط نیست.

گیرم کسی در امتحان شورایی نگهبان شرکت کرد و به او گفتند شما مجتهد نیستید؛ اشکالی ندارد. با این قضیه، شخصیت و عظمت و ارزش و به‌درد خوردن او برای مردم، زیر سؤال نمی‌رود. مبادا کسی خیال کند که چون فلانی مجتهد نیست، پس از حیثیت روحانی ساقط بشود؛ ابداً. متفکر و روحانی با فکر و خدوم و زحمتکش و انقلابی و مبارزی است، ولی مجتهد نیست؛ اشکالی ندارد. پس، هم کسانی که مجتهدند و به امتحان نرفتند، شأنشان محفوظ است؛ هم کسانی که امتحان دادند و مجتهد نبودند، شأنشان محفوظ است؛ هم شورایی نگهبان که طبق مقررات عمل کرده و وظیفه‌ی خودش را انجام داده و باید انجام بدهد، شأنش محفوظ است. مشکلی در این‌جا وجود ندارد. بعضی هم در گوشه و کنار اظهار نظر می‌کنند که اگر امام تشریف داشتند، در فلان قضیه اعمال نظر می‌کردند! من دوست ندارم که نسبت به این‌طور چیزها وارد صحبت بشوم؛ لیکن تذکرا عرض می‌کنم که اگر امام امروز تشریف داشتند، مطمئن باشید که به نقض قانون - آن هم به این شکل و در این سطح وسیع - راضی نمی‌شدند.

امام بزرگوار ما، در اواخر عمر شریفشان نامه‌ی نوشتند که جزو اسناد باقیمانده از آن بزرگوار است و در ذهن بسیاری از افراد هست و در همه جا هم پخش شد. امام (ره) حتی در ارگانهای غیر قانونی‌یی که به دستور خود



ایشان و به خاطر مصالح زمان تشکیل شده بود - از قبیل تشخیص مصلحت و غیره - تردید کردند و گفتند، آنها متعلق به زمان جنگ بود و ما مجبور بودیم یک اقدام غیرقانونی بکنیم. امام (ره) مقید به قانون بودند. یکی از خصوصیات آن بزرگوار، تقید به قانون بود که کاری برخلاف آن انجام نگیرد. ما هم آنچه که در جهت پایبندی به قانون تکلیفمان است، آن را انجام می‌دهیم.

چرا بعضی بی‌خودی اعتراض می‌کنند که شما می‌خواستید به شورایی نگهبان سفارش کنید که فلانی و فلانی را برخلاف قانون قبول کنند؟ این، چه کاری است؟ قطعاً اگر امام عزیزمان بودند، این کار را نمی‌کردند. ما با این موافق نیستیم که هر کسی بیاید حرفی را به امام نسبت بدهد؛ در حالی که نمی‌داند روش و ممشای امام (ره) چه بود. ممشای امام را اهل بصیرت و اهل خبره و کسانی که معاشر و محشور با ایشان بودند، می‌دانند؛ نه این که هر کس بیاید حرف بزند که اگر امام (ره) بود، چنین می‌کرد و چنان می‌فرمود.

من همه را توصیه می‌کنم که این خط صحیح را دنبال کنند. مواظب باشید، در حالی که ما دنیای اسلام را به وحدت دعوت می‌کنیم، دشمن نتواند در میان صفوف خود جمهوری اسلامی، اختلاف و تفرقه ایجاد کند. شرط پیروزیها این است که جناحهای مختلف در جمهوری اسلامی، احترام هم را حفظ کنند و با هم باشند. در جمهوری اسلامی، انتخاب، انتخاب اصلح است؛ نه رقابت انتخاباتی. این دعوای و رقابتهای، متعلق به دمکراسیهای غربی است که از خدا و دین، هیچ چیزی به مشامشان نرسیده است.

کارهایی که بعضیها انجام می‌دهند، باب جمهوری اسلامی نیست. در این جا ممشا، ممشای اسلامی است و انتخاب، انتخاب اصلح. مردم باید با چشم باز و با بصیرت وارد بشوند و آدمهایی را که اطمینان پیدا می‌کنند، انتخاب کنند. گیرم حالا زید و عمرو در این جمع نباشند؛ این نباید موجب تعارض بشود.

به هر حال، همهی برادران و خواهران عزیز از خدای متعال کمک بخواهند، برای این که راه صحیح و بصیرت در این راه را ان شاء الله به همهی ما تلقین کند و همهی ما را هدایت نماید. امروز، حفظ حیثیت و آبروی انقلاب و نظام اسلامی و حفظ وحدت، بر همه واجب است و اگر کسی تخلف و تخطی بکند، بداند که از انقلاب تخطی کرده و مطمئناً برای مردم و این جوانان پرشور و کسانی که احساس مسؤلیت می‌کنند، قابل تحمل نخواهد بود. خداوند همهی دلها را به راه راست هدایت کند و ان شاء الله انجام این وظایف را برای همهی آحاد میسر بفرماید و دشمنان اسلام و مسلمین را ذلیل بکند و مسلمانان را در همه جای عالم پیروز بفرماید و ملت عزیز و شریف ایران را به تمام آرزوها و اهدافشان برساند و قلب مقدس ولی عصر را از ما خشنود و راضی بگرداند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته